

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد گرانمایه: استاد عزیز با توجه به پاسخ سوال ۱۷۳۷۳ که فرمودید این افراد کدام خدا را می پرستند پس راز این همه مکاشفات و معاینات عرفانی چیست؟ چگونه چنین کسی با امام زمان (عج) در ارتباط است و خداوند اجازه این کشفها و معاینات را به او می دهد؟ با تشکر و التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در رابطه با کشف و شهود افراد موضوع، بسیار حساس و دقیق است و تشخیص تفاوت آن با توهمات افراد کار ساده‌ای نیست. همین قدر می‌توانم آن‌چه که در پاورقی صفحه‌ی ۳۲۱ کتاب «جایگاه و معنی واسطه فیض» عرض شده است را خدمتتان عرضه می‌دارم به امید آن‌که گشایشی در فهم موضوع برای جنابعالی باشد. در مقدمه کتاب «آیه‌الحق» مرحوم حسین غفاری از قول حاج شیخ عباس قوچانی (وصی مرحوم سید علی آقا قاضی (ره)) نقل می‌کنند که یکی از افراد مشهور به کرامت به در منزل مرحوم قاضی آمد و گفت: من حالی داشتم که تمام گیاهان، خواص و آثار خود را به من نشان می‌دادند، مدتی است حجابی حاصل شده و دیگر به من نمی‌نمایند، از شما تقاضا دارم که عنایتی بفرمایید تا آن حال به من بازگردد. مرحوم قاضی (ره) به او فرمود: دست من خالی است. او رفت و پس از زیارت عتبات، به نجف برگشت، یک روز که جمیع شاگردان نزد مرحوم قاضی گرد آمده بودند، در منزل ایشان آمد و از بیرون در، سرش را داخل نموده، گفت: آنچه را که از شما می‌خواستم و به من ندادید، از حضرت صاحب الأمر گرفتم و حضرت فرمود: به قاضی بگو بیاید نزد من، با او کاری دارم. مرحوم قاضی سر خود را بلند کرد و گفت: بگو قاضی نمی‌آید. نویسنده در ادامه می‌گوید: اولاً میان راه توحید و طریق معرفت نفس که روش تربیتی عرفای بالله است با راه تقویت نفس که شیوه ارباب ریاضات و اصحاب مکاشفات و کرامات است، فرق هست. وقتی گفته می‌شود که اصحاب کرامات و مکاشفات و ریاضات به دنبال تقویت نفس هستند و نه عبور از آن، چه بسا به ذهن افراد خام، از کلمه تقویت نفس، خدای ناکرده اشتغال به امور لهو و لعب متبادر شده و از این جهت انتساب بسیاری از بزرگان صاحب کرامت و دعاوی باطنی را به این طریقه، غیرقابل قبول بشمارند، ولی خوب نظر کن که فرد مذکور یکی از اصحاب مکاشفه بوده و در چاره‌گشایی امور مادی و معنوی خلائق اشتها داشته و حتی در این سالهای اخیر، بعضی وی را در زمره عرفای عظام شمرده، و عبرت بگیر که چنین شخصی غایت خواسته اش که عمر گرانبها را صرف آن

کرده و از این شهر به آن شهر و از این امام به آن امام و از مرحوم قاضی تا صاحب الأمر را مورد سؤال قرار داده، بازگشت حالی است از حالات نفس و قوایی از قوای باطن که مثلاً بتواند کشف خواص دارویی گیاهان بکند. و بدان که لذت بهره مندی از این قوای نفسانی و لذت استفاده و بروز کرامات، گاه آنچنان قوی است که صدها برابر لذات ظاهری حسّی است و شخص واجد این حالات ابداً نمی تواند از آنها عبور نماید و البته با محملهای کمک به خلق و دستگیری و غیره، آنها را برای خود توجیه می کند، ولی مهم این است که همه اینها کمالات و آثار نفس است و هدف عرفان، فناء تمامی آثار و شوائب نفسانی از پایین ترین درجات تا بالاترین مراحل آن، که با نورانیت بسیار شدید توأم است. ثانیاً؛ بنگر به کلام قاضی که به آسانی و سردی می گوید: دست ما خالی است، آری نه دست او که دل و جان او از هر گونه خواست و قوای منتسب به انبیت نفس خالی است. ثالثاً؛ بنگر به گفتار آن شخص در اخذ خواست خود از امام زمان (ع) و پیام معاتبه آمیز از جانب حضرت به مرحوم قاضی که به قاضی بگو: بیاید با او کار دارم، که حکایت دارد که آن شخص به زعم خود به شرف ملاقات امام عصر (ع) نائل شده و حضرت خواسته او را برآورده ساخته اند و گفته اند به قاضی هم بگو بیاید. و دیدی که قاضی هم گفت: بگو قاضی نمی آید! که این جواب قاضی، نشان تشخیص قاضی است از سستی توهمات و دعاوی کثیره مدعیان ملاقات با امام زمان (ع). این پاسخ قاضی یعنی امام زمان مورد ادعای شما، چیزی جز امر خیالی و نفسانی و توهمی و ساخته نفس شما یا شیطان نیست. در ادامه می فرماید: در محضر آیت الله طهرانی (ره) به مناسبتی سخن از همین دعاوی مربوط به رؤیت حضرت صاحب الأمر (ع) شد. ایشان از قول حضرت آقای هاشم حدّاد مستقلاً یا از ایشان به نقل از حضرت آقای قاضی (قدس سرهما). فرمودند که «غالب این ادعاهای رؤیت در طول تاریخ به جز چند مورد محدود و معدود، امور خیالی و نفسانی بوده و حداکثر از قبیل مکاشفات روحیه است که صاحب آنها آن را امر عینی و حقیقی می پندارد ... مؤلف محترم از قول مرحوم آیت الله قاضی نقل می کند که شیخ احمد احساسی روزی به شاگردان خود گفت: من هر وقت به حرم مشرف می شوم به حضرت سلام می کنم، حضرت بلند جواب می دهند، به طوری که اگر شما هم آنجا باشید می شنوید، يك مرتبه با من بیایید تا بفهمید. روزی شاگردان وی به حرم مشرف شدند، شیخ سلام کرد، بعد رو کرد به شاگردان و گفت: جواب شنیدید؟ گفتند: نه! دومرتبه سلام کرد و گفت: شنیدید؟ گفتند: نه! پس شاگردان و خود او دانستند که شیخ در این موضوع اشتباه کرده است (صدایی را که نفس خودش ایجاد کرده است، می شنیده و تصور می کرده آن صدا از خارج است)» نقل از کتاب آية الحق، تألیف سید محمد حسن قاضی، صفحات ۱۰۰-۱۰۲. موفق باشید